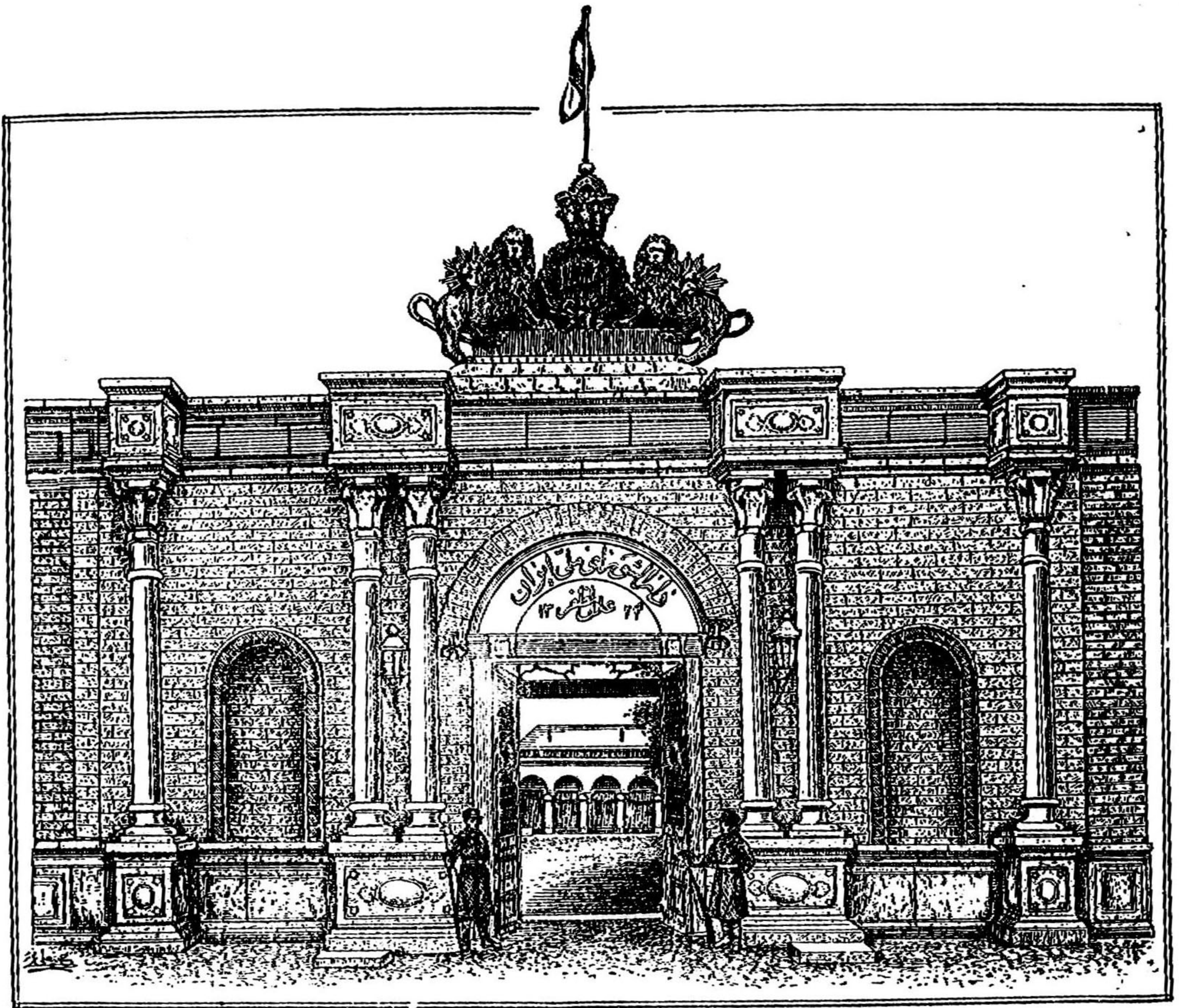


<p>جلسه ۵۸</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره بیست و چهارم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۲ رجب ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت طرح قانونی راجع بمحاکمه وزراء وارجاع آن به کمیسیون عدلیه	۴۱۵	
۲	بقیه شور نسبت بخبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بتأسیس بانک ملی (ماده ۴ - ماده ۵)	۴۱۵	۱۴۳۲
۳	تعیین روز استیضاح از کابینه آقای میرزا حسن خان مستوفی	۴۳۲	۴۳۴



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه پنج شنبه ۶ بهمنماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۲ رجب ۱۳۴۵

جلسه ۵۱

رئیس -- نسبت بصورت مجلس ابرادی نیست ؟
(اظهاری نشد)

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد

(مجلس دو ساعت ونیم قبل از ظهر بریاست
آقای تدین تشکیل گردید)
(صورت مجلس سه شنبه چهارم بهمن ماه را
آقای ضیاء قرائت نمودند)

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - طرح قانونی راجع بحاکمه وزراء باهضای هفتاد و هفت نفر از آقایان رسیده است قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

نظر باینکه اصل ۷۰ متمم قانون اساسی تعیین تقصیر و محاکمه وزراء را که مورد اتهام مجلس شورای ملی واقع میشوند منوط و موقوف بقانون مخصوص نموده و نظر باینکه در مملکت مشروطه جز مقام عظیم سلطنت مقام غیر مسئول دیگری متصور نمیشود و نظر باینکه بواسطه نبودن قانون مزبور وزراء آنطور که باید خود را مسئول نمیدانند و بعلاوه اصل مزبور برای پیشرفت کار و جلو نبري از اعمال خلاف اصول و وظیفه وزراء کاملاً مفید و مؤثر بوده و مؤید سرعت جریان امور خواهد بود لهذا ما امضاء کنندگان بقید فوریت ماده واحده ذیل را پیشنهاد مینمائیم

ماده واحده - لایحه قانونی محاکمه وزراء که در دوره چهارم از طرف دولت به مجلس شورای ملی تقدیم شده و به کمیسیون مخصوصی ارجاع شده بود به کمیسیون عدلیه فرستاده شود که پس از مذاقه و شور هر چه زودتر برای تصویب به مجلس شورای ملی راپرت دهند

رئیس - مقصود از فوریتی که تقاضا کرده اند فوریت يك شوری است مخالفی دارد ؟

بعضی از نمایندگان - خیر

امامی - امضاها را بخوانند

رئیس - هفتاد و هفت امضاء دارد . طبع میشود .

رای گرفته میشود بفوریت ...

افسر - بنده مخالفم

رئیس - آنوقت که سؤال کردم چرا اجازه نگرفتید .

رای گرفته میشود بفوریت اینطرح یعنی ارجاع بکمیسیون . آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

میگیرد سهم دولت افزوده میشود ولی برای رفع اشتباه ممکن است سهم دولت را ب سرمایه بانك تبدیل کنیم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - نظر بنده هم این بود که چون

سرمایه بانك تمام مال دولت است و بطور سهام قرار نداده اند نادبگران سهم داشته باشند در اینجا که نوشته منافع خالص ب سرمایه سهم دولت افزوده میشود باید سرمایه بانك نوشته میشود پیشنهادی هم در اینخصوص عرض کرده ام که سرمایه بانك نوشته شود .

رئیس - آقای فرمند

فرمند - عرضی ندارم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده در این ماده اشکالی وارد نیست زیرا در هر صورت اینکه نوشته شده است (سرمایه دولت افزوده میشود) مقصود آقایان حاصل است زیرا این بانك بانك ملی است و در حقیقت باید گفت آنچه در این بانك است متعلق بدولت است منتهی دولت نمیتواند يك تصرفاتی بکند و يك مقرراتی دارد مقصود این است هر چه عایدی و اضافه میشود ب سرمایه خود بانك افزوده میشود و بمصرف دیگری نرسد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای شیروانی فرمودند که این

لایحه بانك یکشوری است و مقصود بنده این است که مجلس مساعدت کند تا قدری بیشتر در اطراف این ماده بحث شود مثلاً راجع بهمین تبصره بنده اصلاً نفهمیدم که این تبصره چه میخواهد بگوید و بنده میخواهم يك تبصره دیگری پیشنهاد کنم - نظر کمیسیون و دولت این بوده است که مخارج دو سال بانك از منافع بانك داده نشود

و دولت در بودجه اش مخارج آرا ملحوظ بدارد - ولی این تبصره این معنی را نمیرساند و بنده تقاضا میکنم که يك توضیح مفصل تري بدهند تا مطلب معلوم شود - دیگر آقایان مختارند - مذاکرات را هم کافی میدانند بدانند

خبر - توضیحاً عرض میکنم که چنانچه ملاحظه بفرمائید در دو سال اول بانك منافعی ندارد زیرا هنوز بکار و جریان نیفتاده و فوایدی ندارد و در عین حال دولت ناچار است بانك را دایر کند و اجزاء او را بیارود و مشغول کار بشوند و شاید چندین ماه طول بکشد یا متجاوز از يك سال بگذرد تا بانك يك عوایدی پیدا کند

از این نظر دولت این طور تقاضا کرد که در دو سال اول بمناسبت اینکه عواید ممکن است کافی نباشد از اعتبارات مخارج بانك را بپردازد - ممکن است این کار در تمام دو سال لازم بشود یا کمتر از دو سال لازم بشود در هر حال تا بانك ب جریان نیفتاده دولت ناچار است این کار را بکند ولی بعد که بانك ب جریان افتاد و خودش يك عوایدی پیدا کرد البته محتاج باین ترتیب نخواهد بود و خودش مخارج خودش را خواهد داد و گمان میکنم که عبارت تبصره مطلب را خوب میرساند زیرا میگوید در دو سال اول هرگاه لازم شود دولت میتواند مخارج اداری بانك را از صرفه جوئیهای اعتباراتی که برای مخارج جمع آوری سایر عواید منظور گشته بپردازد . حالا اگر عبارت دیگری بنظر آن میرسد پیشنهاد بفرمائید البته اصلاح میشود

رئیس - (خطاب با آقای آقا سید یعقوب) قانع شدید یا برای بگیریم .

آقا سید یعقوب - بنده تبصره پیشنهاد کرده ام

اگر آقایان مذاکره را کافی میدانند بنده هم عرضی ندارم

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده چهار اینطور اصلاح شود

از منافع خالص بانك آنچه بدولت تعلق میگیرد ب سرمایه

بانك افزوده میشود

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده هم عین همین پیشنهاد است .

مخبر - این را خود بنده هم عرض کردم که بجای سهم دولت سرمایه بانک نوشته شود .

رئیس - قبول کردید ؟

مخبر - بلی قبلاً عرض کردم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب .

(اینطور قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره این نوع اصلاح شود .

تبصره - در دو سال اول کلیه مخارج اداری بانک در بودجه مملکتی منظور خواهد شد .

آقا سید یعقوب - از بیانی که مخبر محترم فرمودند

معلوم میشود نظر دولت هم همین بوده است که در سال

اول و دوم چون بانک منافی ندارد اگر بنا شود مخارج

اداری از اصل سرمایه بانک داده شود آن نظریکه ما

داشته ایم که سرمایه بانک باید محفوظ باشد از بین میرود

لذا نظر دولت این بوده است که از عواید دیگر بودجه

مخارج اداری بانک را تأدیه کنند تا در سال سوم و چهارم

بتواند از عواید حاصله خود بانک مخارج اداریش را بدهد

نظر دولت این بوده - ولی این تبصره این مقصود را

نمیرساند زیرا تبصره مینویسد : در دو سال اول هرگاه

لازم شود مسلم است لازم میشود (هرگاه) لازم ندارد

زیرا کسانی که می آیند در اداره بانک خدمت میکنند

مسئلاً حقوق میخواهند و بدیهی است که لازم میشود -

پس عبارت (هرگاه لازم شود دولت میتواند مخارج اداری

بانک را از صرفه جوئیهای اعتباراتی که برای مخارج

جمع آوری سایر عواید منظور گشته بپردازد) معنی ندارد

و مثل این است که از يك عبارت غیر فارسی این جمله

را ترجمه کرده باشند و مبهم است - مقصود این است

که در دو سال اول مخارج اداری بانک را از بودجه مملکتی

بپردازند و سرمایه بانک دست زنند ولی از سنوات بعد مثلاً از سال سوم و چهارم که خود بانک بکار افتاد و يك عوایدی پیدا کرد از همان منافع حاصله خود بانک بودجه اداریش را مرتب کنند - این است که بنده واضحتاً پیشنهاد کردم .

مخبر - در اینجا دو نظر است که با آن نظریه آقای

آقا سید یعقوب قدری تباین دارد - در آنجا که میگوید

(هرگاه لازم شود برای مدت دو سال) در این قسمت

بطور قطع نمیشود پیش بینی کرد که حتماً دو سال مخارج

اداری بانک را دولت از سایر عواید خودش بدهد - ممکن

است شش ماه لازم بشود یا يك سال لازم بشود ممکن

است تا آخر دو سال لازم بشود - این کله هرگاه برای

احتیاط است که هر مدت لازم شد پرداخته شود - اما

اینکه گفته شد از صرفه جوئیهای اعتبارات داده شود -

برای این است که در بودجه مملکتی يك ماده مخصوصی

بعنوان مخارج بانک پیش بینی نشود و مخارجی که برای

بانک لازم میشود وزارت مالیه از بابت صرفه جوئیهاییکه

از اعتبارات جمع آوری سایر عواید حاصل میشود بپردازد

نظر این بوده است حالا دیگر بسته بنظر مجلس است

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این

پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(چند نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای ثابت

(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره ماده (۴) را به تبدیل کله (میتواند) به

(مجاز است) اصلاح و پیشنهاد مینمایم

رئیس - آقای ثابت .

آقا شیخ محمد علی (ثابت) - مقصود از این تبصره

برای این است که دولت بتواند در موقع احتیاج يك

وجهی بر دارد و به مستخدمین بدهد این کلمه (میتواند)

که نقل شده است از اصطلاحاتی است که عکس العملی

دارد - یعنی اگر بخواید میتواند و اگر نخواست هیچ این است که بنده پیشنهاد کردم (میتواند) به (مجاز است) تبدیل شود تا تکلیف معلوم شود فتوایی نباشد حکمی باشد مخبر - بنده تفاوتی بین این دو کله نمی بینم .

رئیس - قبول کردید ؟

مخبر - بنده گمان میکنم (میتواند) به تراست و عبارت

فارسی تر است .

رئیس - (خطاب باقای ثابت) (میتواند) هم اگر

باشد مقصود جنابعالی را تأمین میکنند

ثابت - اجازه میفرمائید ؟

رئیس - برای توضیح خیر - یا مسترد کنید یا

رای میگیریم - علی ای حال رای گرفته میشود بقابل توجه

بودن این اصلاح - آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام

فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای شیروانی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده (۴) حذف و تبصره ماده

مزبوره بجای ماده (۴) درج شود

رئیس - آقای شیروانی .

شیروانی - بنده استدعا دارم که مخصوصاً آقای

فرمند این را دقت فرمایند عرض کنم - بموجب پیشنهادی

که قابل توجه شد راجع بماده دوم بنده تصور میکنم

بماده چهارم نتوان رای گرفت برای اینکه در

پیشنهادات ذکر شد که دولت از عواید خودش

انتقال بدهد برای سرمایه بانک . حالا اینجا باز

می آئیم و بموجب این ماده يك منافعی برای

دولت تعیین میکنیم . این بادو ماده پیش ارتباط دارد

در صورتیکه روح مجلس را اینطوریکه بنده دیدم موافقت

ندارد که دولت قرض بکند و آن فورمول مساعد را قبول

بکند دولت مکلف است بموجب پیشنهاد ادبیکه شده این وجه را از يك جائی منتقل کند باین بانک برای سرمایه او بنا بر این دیگر ما نمیتوانیم منافعی برای آن قائل شویم که بموجب ماده چهار منافعی باسم بانک یادولت نوشته شود این است که بنده پیشنهاد کردم این ماده حذف شود ولی اینکه تبصره را موافقت دارم برای این است که در

دو سال اول ما میخواهیم مخارج این بانک از صرفه جوئیهای

مملکت باشد برای اینکه سرمایه بانک دست نخورد

چنانچه ما می بینیم در ابتدای کار . کارهاییکه در دست دولت

است خرج زیاد میکنند و ما اگر میخواهیم از سرمایه

بانک خرج کنیم بکوقت می بینیم که يك قسمت عظیم

سرمایه بانک را بعنوان مخارج از دست داده ایم باینجهت

در دو سال اول ما از صرفه جوئیهای مملکت خرج آرا

میکنیم و آن سرمایه را که انتقال بیانک داده ایم

نگاهداری می کنیم همینقدر که باصلاح تنظیمی در کار

پیدا شد و اصول صرفه جوئی کاملاً در آنجا حکم فرما

شد و بجرانها تمام شد آنوقت ممکن است مخارج از عواید

خود بانک ملی داده شود این است که بنده پیشنهاد کردم

ماده حذف و تبصره بجای ماده برقرار شود آنوقت اگر

آن دو ماده در کمیسیون تغییر نکرد باز ممکن است کمیسیون

مجدداً این ماده را بصورت دیگری بیاورد و اگر آن دو

ماده قبول شد که این ماده اصلاً موضوعی پیدا نمیکند .

مخبر - آقای شیروانی اشتباه می کنند بجهت اینکه

اولاً استدعا میکنم لفظ (قرض) را تکرار نفرمایند زیرا

در آن مواد هیچ قید نشده بود و مذاکره نبود که دولت

برود قرض کند . مطلب این است که پول خودش را

از يك بانکی بردارد و بيك بانک دیگری ببرد مقصود این

نیست که دولت قرض بکند یعنی برود از يك بانک های دیگری

برای سرمایه این بانک قرض بکند . خیر این مقصود نبود

و در هر حال يك سرمایه اصلی و يك سرمایه ابتدائی

برای بانک پیش بینی شده نظریات مجلس این بود که از

صرفه جوئی های سنوات گذشته با محل های دیگر سرمایه

این بانک را قرار دهند و بعنوان مساعده از ودایع نپردازند و بالاخره يك سرمایه از یکی از این محل‌ها مینماید میشود بانک بی سرمایه که نخواهد بود سرمایه اصلی بانک مربوط بمنافع است که بعد داشته باشد نخواهد بود - امروز ممکن است پانزده میلیون سرمایه بانک باشد ده سال دیگر سی میلیون بشود بعد هم خیلی بالاتر برود و هیچ مانعی نخواهد بود که ما يك ماده قید کنیم که منافعی که حاصل میشود پس از وضع مخارج همیشه به سرمایه بانک افزوده شود. سرمایه از هر جا که میخواهد باشد البته وجوه ودایع دیگری هم از طرف مردم در بانک گذاشته خواهد شد و منافعی را بصاحبان ودایع میدهند و آنچه از منافع متعلق بدولت میشود بر سرمایه بانک افزوده میشود زیرا بانک تجارخانه است و مقصود از تجارخانه این نیست که آن سرمایه اولی را ابدالدهر ثابت نگاه دارد تجارخانه برای این است که روز بروز بر سرمایه و منافعی اضافه شود و موضوع تبصره هم چون جزو مواد اصلی نیست در تبصره ذکر شده است. برای اینکه این يك موضوع موقتی است و دائمی نیست که جزء مواد اصلی ذکر شود يك ماده ایست که نایکمدت معینی چون منافع بانک کافی برای مخارج نخواهد بود نوشته شده است که دولت از محلهای دیگری که مقتضی باشد مخارج را بدهد این است که آن قسمت بطور تبصره موقتاً ذکر شده و اصل ماده همان چیزی است که عرض شد که پس از اینکه بانک باز شد عواید هر چه شد بر سرمایه بانک اضافه شود و هیچ ارتباطی هم با مواد اول و دوم و سوم نخواهد داشت و استدعا میکنم ایشان هم موافقت فرمایند که همین قسم ماده بگذرد.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای یاسائی (بشرح آنی قرائت شد)

بند پیشنهاد میکنم در تبصره ماده چهارم بعد از

(سایر عواید) اضافه شود باستثناء عواید حاصله از قند و شکر و چای

رئیس - پیشنهاد آقای بیات هم در همین زمینه است آقای یاسائی

یاسائی - در تبصره ماده چهار نوشته شده است که صرفه جوئی هائی که بابت اعتبارات حاصل میشود بمصرف مخارج اداری بانک برسد عبارت این است: از صرفه جوئیهای اعتباراتی که برای مخارج جمع آوری سایر عواید منظور گشته بپردازد. یکی از چیزهاییکه مشمول این کلمه سایر عواید است عواید حاصله از قند و شکر و چای است. ما بدولت اختیار دادیم که صدی هشت خراج وصول این عایدی بکنند و چندی پیش در مسئله بودجه مذاکره شد که از مخارج وصول عایدات قند و چای صدی چهار و صدی پنج صرفه جوئی میشود و اگر عبارت اینطور تصویب شود معنایش این است که آن صرفه جوئی ها را هم بمصرف مخارج اداری بانک برسانیم در صورتیکه صلاح نیست رخنه در عواید قند و چای پیدا بشود صرفه جوئی هایش هم باید در همان محل گذاشته شود و بمصرف راه آهن برسد و خوب نیست ما شروع کنیم بر رخنه انداختن در کار راه آهن

مخبر - بکمرته دیگر قرائت شود بنده درست ملتفت نشدم

رئیس - بکمرته دیگر برای اطلاع آقای مخبر قرائت میشود

(پیشنهاد آقای یاسائی بشرح گذشته قرائت شد)

مخبر - این صحیح است همانطوری که در اول ماده عواید قند و چای استثناء شده در اینجا هم باید استثناء شود رئیس - قبول کردید؟

مخبر - بلی.

رئیس - ماده چهار بضمیمه تبصره یا این اصلاح

قرائت میشود و رای میکنیم

(بشرح آنی قرائت شد)

ماده ۴ - از منافع خالص بانک آنچه بدولت تعلق میگیرد بر سرمایه بانک افزوده میشود

تبصره - در دو سال اول هرگاه لازم شود دولت میتواند مخارج اداری بانک را از صرفه جوئیهای اعتباراتی که برای جمع آوری سایر عواید (باستثناء عواید حاصله از قند و شکر و چای) منظور گشته بپردازد

رئیس - رای گرفته میشود بماده چهار بضمیمه تبصره بطوریکه قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۵ قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و باستثناء مواردیکه در ماده ۶ ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول و یا غیر منقول و یا امضاء اشخاص معتبره تضمین گردد. شرایط قبول ودیعه بارهن دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - آقایانیکه لایحه دولت را دارند و خبر کمیسیون را هم ملاحظه میفرمایند و این دو ماده را راجع باین موضوع استقراض تطبیق میفرمایند تصدیق خواهند کرد که کمیسیون محترم خوب اصلاحی در این ماده نفرموده. اگر سابقه بانک استقراضی را ما در نظر بگیریم و غارتی که در بانک استقراضی شد و بالاخره يك مؤسسه بآن عظیمی با آن سرمایه مهم در نتیجه همین رویه معدوم شد تصدیق خواهند فرمود که این ماده برای این است که این بانک را بعد از دو سه

سال بکلی ریشه اش را بکنند یعنی بعد از دو سه سال دیگر شما چیزی در این بانک پیدا نخواهید کرد. (اگر تاسیس بشود) حالا بنده ماده دولت را میخوانم بعد هم ماده را که کمیسیون تنظیم کرده میخوانم.

ماده دولت مینویسد: بانک اجازه دارد ودایع قبول کند و باستثناء مواردی که در ماده ۷ ممنوع گشته پول قرض بدهد بشرط اینکه کلیه قروض بواسطه رهن املاک و مستغلات یا سایر اموال معتبره تضمین گردد که قیمت فروش آن لا اقل دو مقابل آن پولی باشد که قرض داده میشود. هر ملك یا مستغلی که بانک بعنوان تضمین قبول بنماید بر طبق قانون ثبت اسناد بایستی ثبت شده باشد و یا بایستی دو نفر شخص معتبر ضمانت قرض را بنمایند - تمام محکم کارها را دولت کرده که اگر يك کسی پولی قرض میکند پول بانک از بین نرود و سرمایه بانک غارت نشود. کمیسیون محترم مینویسد: بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و باستثناء مواردی که در ماده شش ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول و یا غیر منقول و یا امضاء اشخاص معتبر (امضاء اشخاص معتبر) و یا مؤسسات معتبره تضمین گردد در مملکت ما الحمدلله همه اعتبار دارند هیچکس بی اعتبار نیست. امضاء همه معتبر است. بنده میروم برای برادر امضاء میکنم. برادر هم برای بنده امضاء میکند. همان کارهایی که بسر بانک استقراضی در آوردند و هی رفتند امضاء هائی کردند بعد معلوم شد که آن اشخاص وجود خارجی ندارند يك خانه در یکی از بهترین محلات طهران درست میکردند خیلی قشنگ و مرتب. پنجاه تومان کرایه خانه را داده اند. دوست سیصد تومان هم کرایه اثاثیه داده اند. مدیر بانک را مهلت میکردند منزل حاجی میرفت آنجا خیلی هم محترم و موقر و بالاخره اعتبار را تصدیق میکرد و صد هزار تومان قرض میکردند و يك حجره هم در بازار بود. پس معلوم نمی شد حاجی

معتبری داشته باشیم که يك بانك خارجی اینطور مملکت ما را نمکد و ببرد

مخبر - مقدمه نظر باینکه آقای شیروانی معاملات این بانك را تشبیه کردند بمعاملات بانك استقراضی لازم است خاطرشان را مستحضر کنم که بانك استقراضی باین سادگی که جنابعالی تصور فرمودید نبود معاملات هم که در خانه حاجی میکرد خودش می فهمید آنها يك نظریات سیاسی داشتند در تمام اطراف مملکت میخواستند تمام املاك را اینطور در تحت نظر بیاورند کار هم نداشتند باینکه مال حاجی بود یا نبود و میرفتند تصاحب میکردند الحمدلله از این قسمت خلاص شدیم . اگر بانك ملی ما هم يك همچو قدرتی داشت و می کرد بنده هم بدم نمیآید

یک نفر از نمایندگان - خیلی هم بد است

مخبر - یعنی میرفت در خارج میکرد نه در اینجا باری مقصود از بانك چیست ؟ مقصود این نیست که يك وجهی را در يك جائی جمع کند و بحال وقفه بگذارد بانك مؤسسه ایست که باید وسیله معامله بین افراد باشد میتوان بانك را بچشمه های آبی که از کوه جاری میشود تشبیه کرد در ابتداء هیچ نیست ولی چند فرسخ فاصله که از سرچشمه دور میشود يك رودخانه عظیمی تشکیل میدهد که آبش دردهات و شهرها و قصبات بمصرف میرسد بانك هم همین حال را دارد در مملکتی که بانك نیست مبلغ کل وجوه مختصر که بنظر نیاید نقله میشود . تفننات بی اندازه خواهد بود برای آنکه صاحبان وجه مصرفی ندارند که آب وجوه را بمصرف برسانند ولی اگر يك بانگی باشد یکی از مصارف همین خواهد بود که آن وجوه را متدرجاً در يك بانك جمع بکنند و این وجوه مختصر که در ابتدای امر هیچ بنظر نیاید وقتی که جمع آوری شد مبلغ معتناهی را تشکیل میدهد و امور بانك را بچریان می اندازد جریان بانك چیست ؟ یکی معاملات صرافی است که فرمودند . معاملات صرافی عبارت از برات خریدن و فروختن است . اما در جریان تجارنی بانك چه میکنند ؟

البته بانك باید به تجار هم قرض بدهد . قرض دادن بانك هم همان طوری است که سایر بانگها معامله میکنند البته باید بانك تأمینات و تضمیناتی باشد . دولت هم پیش بینی کرده بود این مطلب را . در ایران وسایل تضمین چیست ؟ بیشتر اموال غیر منقول است . چون در مملکت ما فعلاً برای اشخاصیکه میخواهند معامله بکنند وسایل دیگری از قبیل سهام شرکت ها و غیره که بتوانند در بانگها بگذارند و بان اعتبار قرض بکنند نیست پس یکی باعتبار املاك است و یکی دیگر اعتبارات شخصی است یعنی ضمانت اشخاص چنانکه بانگهای دیگر هم هر وقت پول بخواهند قرض بدهند باعتبار شخص معتبری است ایندو وثیقه کافی است برای اینکه بانك بتواند با اشخاص داخل معامله بشود ولی چون این بانك دولتی است و مال دولت است البته در قانونیکه مجلس میگذرانند باید حد معاملات را با افراد معین کند که غیر از معامله صرافی آیا با اشخاصی هم میتواند داخل معاملات نقدی بشود و پول قرض بدهد یا نه ؟ و اگر قرض میدهد تا چه حد از آنها وثیقه بخواهد ؟ راجع بتأمین املاك . ضمانت ها و غیره در کمیسیون خیلی ایرادات شد و این اندازه را هم که دولت نوشته بود باز کافی ندانستند . مثلاً مقید بکنند باینکه املاك حتماً ورقه ثبت اسناد داشته باشد امروز هنوز مسئله ثبت اسناد در تمام مملکت جاری نیست بعضی از نمایندگان - باید بشود .

فهمی مخبر کمیسیون - بدره امروز مملکت نمیخورد شاید تا چند سال دیگر هم هنوز دائر نشود و عجالاً اداره ثبت اسناد فقط در مرکز هست و اگر هم بخواهند يك ملکی را به ثبت برسانند ششماه هفتمه طول می کشد در سایر ولایات هم هنوز موجود نیست بر فرض هم که بنا باشد بودجه ثبت اسناد ولایات بیاید بمجلس خیلی مدت لازم دارد تا بگذرد و ادارات ثبت اسناد دائر شود پس این موضوع نخواهد داشت که ما اینجا بنویسیم در مقابل املاکی که به ثبت رسیده پول قرض داده شود بعلاوه

ممنوع هم نشده است ممکن است دولت در نظامنامه خودش این شرط را قرار بدهد علاوه بر این باید بدانند که وقتی برای قرضه ودیعه میگذارند شرایطی که از قبیل اجرت المثل و مدت و غیره لازم است اینها چیزهایی است که باید در نظامنامه نوشته شود و در این ماده بطور کلی ذکر شده است که وثیقه (اموال منقول یا غیر منقول یا ضمانت اشخاص معتبر) باید باشد و جزئیات امر را در نظامنامه باید قید کرد ممکن است باقتضای محل یا مبلغ وثیقه تغییر کند و این قابل يك مطالعات خیلی مفصلی است و ذکر آنها در قانون مورد ندارد و اما راجع ببانگ رهنی که فرمودند در آنجا نظرمان این بود که حد اعلاى آن چهار صد تومان بیشتر نخواهد بود ولی این بانگ برای معاملات جزئی رهنی نیست معاملات تجارنی و فلاحی که برای اشخاص فلاح و مالکین بزرگ میتواند مفید باشد خواهد کرد و البته بیش از مبلغ چهار صد تومان خواهد بود ، اگر تا چهار صد تومان بخواهند ممکن است ببانگ رهنی رجوع کنند ولی در اینجا ممکن است شخصی ملك نداشته باشد ضامن معتبر هم نداشته باشد ولی جواهرات زیاد داشته باشد و بخواهد ده هزار تومان قرض کند ممکن است آنجواهرات به عنوان وثیقه بگذارد و پول هم بگیرد هیچ ضرری هم ندارد . ما باید وضعیات فعلی مردم را از هرجهت در نظر بگیریم که احتیاجات مردم رفع شود و اگر ما بخواهیم برویم يك بانگی تأسیس کنیم و از شرایط بانگ کردی لیونه در آن قرار دهیم بیشتر بموهومات شبیه خواهد بود تا به يك بانگ واقعی ولی امیدواریم که با يك طول مدتی بانگ ما هم همان اعتبارات را پیدا کند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای حاج میرزا حبیب الله امین

حاج میرزا حبیب الله امین - مخالفم

شیروانی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - هنوز معلوم نیست که مذاکرات کافی باشد حاج میرزا حبیب الله امین - برای معاملات بانک باید يك سهولتهائی در نظر گرفت ولی باید يك قدری بیشتر در آن مطالعه کرد. پیشنهادی هم عرض کرده ام تقدیم میکنم در آخرین ماده هم يك كلمه دارد که بکلی زائد است مینویسد شرایط قبول ودیعه یا رهن دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد وجه را که کسی رهن نمیدهد گمان میکنم مقصود (شرایط قبول ودیعه یا دادن وجه) باشد رهن دادن وجه گمان میکنم صحیح نباشد و يك كلمه زائد باشد

مخبر - بعد از كلمه (رهن) بکحرف (واو) حذف شده اینطور میشود: شرایط قبول ودیعه یا رهن و دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد

رئیس - آقای فرمند مخلفید؟

فرمند - خیر موافقم

رئیس - بفرمائید

فرمند - عرض کنم بعقیده بنده این ماده باماده اول تماسی دارد. بنده در ماده اول پیشنهاد کردم که لغت تجارت از آنجا زده شود و اگر لغت تجارت از این ماده هم زده شود این ماده بهترین مواد است زیرا همانطور که آقای شیروانی فرمودند اگر لغت تجارت در این ماده باشد از آن سوء استفاده خواهد شد باید در این ماده شرایط سهل باشد که مردم بتوانند استفاده کنند

رئیس - شما گفتید موافقم

فرمند - بنده خواستم تماسش را باماده اول ذکر کنم پس فعلاً عرض نمیکنم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - در این مملکت وسائل بکار انداختن سرمایه های کوچک و رفع احتیاجاتی که اهالی مملکت

از حیث تأمین اموال خود و با نقل و انتقال از يك محل به محلی دیگر داشته اند این فکر اساسی وسیله تاسیس بانک ملي عملي میشود. حالا باید دید که این فکر بچه کیفیت باید بوقع اجرا گذاشته شود و شرایطی که باید در این بانک در بکار انداختن سرمایه و تسهیل امور اقتصادی مملکت ملحوظ داشت چیست؟ بنده اساساً موافق نیستم که يك بانگی شرایط دادن قرضه را سنگین بکند. خود اینمسئله باعث عدم موفقیت است و این ماده که در کمیسیون تصویب شده بنظر بنده يك ماده خیلی خوبی است زیرا ممکن است يك قسمت از شرایطی را که ضرور هم نیست در جزء ماده باشد رجوع بکنند بنظامنامه و صحیح هم همین است که در نظامنامه يك قسمت از شرایطی را که ممکن است نظر آقایان را تأمین کند قید کنند و مهم ترین شرایط هم عبارت از شرایطی است که وجهی که داده میشود برای بانک این اطمینان باشد که وجه بر میگردد و آنچه که بنده میبینم این مسئله در این ماده تأمین شده است زیرا می نویسد با اشخاص معتبر ضمانت کنند با اموال غیر منقوله که کافی باشد رهن داده شود یا اموال منقوله را وثیقه قرار دهند و در این مملکت هم بغیر از این سه وسیله که عادتاً وسیله تحصیل قرض است رسیده دیگری نیست و امضای اشخاص هم در صورتی که معتبر باشند البته باید وسیله استقراض باشد و کسی نمی تواند بگوید که يك شخص معتبری اگر ضمانت بکند آن جریانی که در بانک استقراضی روس پیش آمده است در این بانک هم پیش خواهد آمد. بعقیده بنده معاملاتی که نجات اهالی ایران یا بانک استقراضی کردند با حسن عقیده بوده است و بی محل معامله نکرده اند خود بنده در اوضاع بانک ایران و معاملات آن دخالت داشته ام. هر کس که معامله با بانک استقراضی کرده است وقتی که با اوضاع زندگانی او در حین معامله رجوع نمود معلوم می شود که کمال اعتبار را داشته است منتها بواسطه يك علل و حوادثی که

بعقیده بنده مربوط می شود بعدم وجود امنیت قضائی در مملکت نتوانستند آن قروض را بپردازند و تصور میکنم اگر ما بخواهیم يك شرایطی که خیلی سنگین باشد برای اشخاصیکه میخواهند پول قرض بکنند قید بکنیم مثل این است که این بانک بدون اینکه آن غرض عاقلانه را که در نظر است بتواند اجرا کند تاسیس شود. در هر صورت تصور میکنم این ماده بهترین مواد است و مخصوصاً باید در تسهیل معاملات بانک با مردم سعی کنیم

فرمند - حالا اجازه میفرمائید؟

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است (بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که: این یاد آوری که آقای

شیروانی کردند بلرزه وارد است. فرق است مابین تسهیل با اینکه يك نظری اتخاذ شود که سرمایه بانک مثل نهر بغارت رود ازین رود. امضاء چطور میتواند مشمول اعتبار باشد؟! اصل این است که طرز معامله طوری معتبر باشد که بعد منکشف نشود که تمام سرمایه بانک ازین رفته در گرداب غرق شده و مؤسسه بانک بالتلیجه محو میشود. ما معتقد هستیم که این رخنه عظیم را باید از اینجا برداشت که سرمایه بانک در جای خودش بماند. منظور اساسی از تاسیس این بانک این است که بدرد مستحق بخورد و غالباً با این کلمات حق از مستحق منتزع میشود و بغیر مستحق میرسد یعنی اشخاصیکه صلاحیت و اعتبار ندارند می آیند در ردیف اشخاص معتبر و این همان مسئله یغما است و به نظر بنده همان وسیله غارت است و عقیده بنده این است که آقای مخبر محترم موافقت بفرمایند که این كلمه امضاء از اینجا بر داشته شود.

رئیس - آقای خواجوی

میرزا صادقخان (خواجوی) - طبیعی است در معاملاتیکه در مملکت میشود درجه اعتبار نجات معتبر و اشخاص را دولت یا بانک مثل بانکهای خارجی تعیین میکنند. در اینصورت برای هر تاجری بکمقدار اعتبار معین میشود و اگر بنا باشد هیچ اعتباری برای امضای نجات منظور ندارند در تجارت و امور بانگی بکلی بسته می شود. بانک باید تقیضات خودش را بکند. اعتبارات اشخاص را معین کند و بآن اندازه که اعتبار دارند برای معامله کردن و برای ضمانت کردن بانها اعتبار بدهد. همینطور مؤسسانی که در اینجا ذکر شده از قبیل شرکت تلفون و امثال اینها که در این مملکت و ممالک دیگر اکسیون دارند و این اکسیونها را میتوانند در بانک ودیعه بگذارند و پول بگیرند چنانچه الان هم با اکسیونهایی که در این مملکت هست معاملاتی میکنند همچنین اشیاء منقول. اگر يك تاجری ده هزار عدل مال التجاره پنبه یا تریاک داشته باشد که تقریباً صد هزار یا دویست هزار تومان قیمت آن باشد امروز محتاج به پول میشود و فرضاً میخواهد پنجاه هزار تومان پول بگیرد تکلیف او چیست؟ البته باید بوسیله بانک این را بخارجه حمل کند و در آنجا بفروشد و بانک حق العملش را بردارد و بعد هم پول خودش را بر میدارد و این ماده طوری تنظیم شده است که اعتبارات اشخاص ملحوظ شده و البته باید هر بانگی يك نظامنامه برای اعتبارات اشخاص تهیه کند و مثلاً در آن بنویسد فلان تاجر پنج هزار تومان اعتبار دارد یا دو هزار تومان اعتبار دارد و بعقیده بنده نمیشود ایناده را تغییر داد و بهمین ترتیب خوبست.

رئیس - حالا مذاکرات کافی است

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - آرا آقایان اجازه میفرمایند قرائت پیشنهادات

موکول ببعد از تنفس شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع
ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون عرایض راجع بمرخصی سه ماهه
آقای فرشی. کمیسیون هم تصویب کرده قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)

آقای فرشی نماینده محترم تبریز از مقام محترم ریاست
مجلس شورای ملی تقاضا نموده اند بمناسبت کسالت مزاج
و احتیاج شدید بمعالجه بواسطه نجومیز اطباء ناچار به
عزیمت اروپا شده و بطوریکه آقایان اطباء هم تشخیص
داده اند مدت معالجه کمتر از چهار ماه نمیشود تصدیقی هم
از آقای دکتر رفیع نماینده محترم مشعر بر کسالت خود و لزوم عزیمت
بازوپا و معالجه در آنجا ضمیمه درخواست نموده به
کمیسیون عرایض ارسال داشته اند لذا کمیسیون عرایض
باسه ماه مرخصی آقای فرشی موافقت نموده و از بوم حرکت
تصویب میکند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - با شرحی که کمیسیون عرایض و مرخصی راجع
بآقای فرشی نوشته اند بنده بامسافرتشان موافقم ولی
آقای فرشی یکی از تجار درجه اول آذربایجان هستند و
احتیاجی هم ندارند که این حقوق سه ماهشان را بگیرند
و بروند اروپا. بنده استدعا میکنم بنام فقراء مملکت و
بنام رنجبران این مملکت حقوق این سه ماهه را نگیرند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده هم بنام حیثیت مجلس از

کرده ایم خیلی تعلق داریم که عقیده خودمان را حالی
کنیم و شاید باین وسیله بانگرا از آن خطری که در
مقابلش واقع شده حفاظت کنیم و نگذاریم سرمایه ای
که در يك جا جمع شده با يك وسائلی از این مقوله
از بین برود. عرض کنم این بانک معهود است برای
امور تجارنی و يك قواعد و نظمی هم دارد بانگهای دیگر
هم همان قواعد و نظم را رعایت میکنند. تجاری که
معتبر هستند میتوانند استقراض بکنند و اعتبار آنها
هم با يك وسائیل بانکی نزد بانک محفوظ است. خوب
البته اگر ضمانتی هم درش باشد بهتر و قوی تر میشود
ولی این دلیل نمیشود که ما بطور اطلاق بنویسیم هر کسی
ادعای اعتبار کرد اگر ذیل ورقه را امضاء بکنند فوری
هر چه خواست بار بدهند و این سرمایه ای که باین
مرارت جمع شده بیفتد دست این اشخاص و بنظر بنده
آن پیشنهاد دولت جامع تر است. بعلاوه يك نکته دیگر
را میخواستم عرض کنم و آن این است که در یک قسم
از مطالب هست که باید واقعاً تابع متخصصین بود یعنی کسانی که با
آن نوع از کار تماس دارند رأیشان متبع است. در این لایحه
بانک هم متخصصین مالی نظر کرده اند و آن ماده ای را که
دولت تنظیم کرده است نتیجه عقیده آنهاست نهایت
دولت ذیل آن را بعنوان تصحیح کار چند نفر متخصص
امضا کرده است و این ماده ضرورت دارد که همانطور
باشد و البته ثبت اسناد هم لازم است برای خاطر اینکه
کار های خوب همیشه باید يك مشوقی بهلولیش
باشد تا اجرا شود. سجل احوال را که شما میخواهید
اجرا بکنید باید يك چیزهایی از قبیل اینکه هر کسی را
میخواهند دفن بکنند باید سجل احوال داشته باشد
یا هر ازدواجی که میشود باید سجل احوال داشته باشند
دنبالش باشد تا قانون سجل احوال اجرا شود. همینطور
ثبت اسناد هم اگر يك چنین الزاماتی در مقابلش نباشد
اجرا نمیشود برای اینکه ثبت اسناد که اجباری نیست
اما يك موجبی ' يك مشوقی ' يك محرکی که بهلولیش
گذاشته شود بکار میافتد. بنابراین یکی از مسائلی که

آقای زوار تقاضا میکنم که ملاحظه کنند که دولتها
چه بسرمایه مملکت میآورند. آقای فرشی یکی از وکلانی
هستند که در دوره اول و دوم بقدری در راه مشروطیت
خدمت کردند که خدمات ایشان زین بخش تاریخ است
شخص باین محترمی ششصد تومان میخواهد که برود به
اروپا حقیقه در مجلس نباید نسبت بیک اشخاصی که
دارای این همه سابقه خدمات بزرگ در مملکت هستند
این صحبتها را کرد. حقیقه به بینید چه مخارجی برای این
اعتباراتی که ماهی بازده هزار تومان است و نرأ می کنند
آنوقت برای یک نفر وکیل با همه این خدمات میگویند
بنام سعادت!! بنام سعادت بگوئید آنها این خرابیها را نکنند
زوار - توضیحی دارم

رئیس - رای گرفته میشود بمفاد خبر کمیسیون.

آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادات راجع به ماده (۵)

قرائت میشود پیشنهاد آقای دادگر.

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده پنجم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده ۵ - بانک اجازه دارد ودایع نقدی مدت دار
و جاری قبول کند و (باستثناء مواردیکه در ماده ششم
ممنوع گشته) پول قرض بدهد مشروط بر اینکه کلیه قروض
بواسطه رهن املاک و مستغلات یا سایر اموال معتبره
تضمین گردد که قیمت فروش آن لا اقل دو مقابل پولی
باشد که قرض داده میشود هر ملك یا مستغلی که بانک
به عنوان تضمین قبول نماید بر طبق قانون ثبت اسناد
بایستی ثبت شده باشد

رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء و آقای آقا سید یعقوب

هم عین همین پیشنهاد است. آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که در این مسئله ما دو نفر

که بنده و آقای شیروانی باشیم و این پیشنهاد را امضاء

باعتبار اموالی که در راهها یا در نجرانخانه دارند و با بوسیله ضمانت نجرار معتبر و تشخیص نجرار معتبر را هم بانك که يك نجرانخانه است در ردیف آنها باید بدهد و این جزئیات دیگر نباید در قانون ذکر شود. حالا اگر آقایان معتقدند که این قسمت ثبت اسناد باید حتماً ذکر بشود که املاک ثبت شده را قبول بکنند يك موضوعی است ولی این از مفهوم واقعی بانك نجرانی بکلی دور است.

رئیس - رأی گرفته می شود بقبال توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عمادی (مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای و یا امضاء اشخاص معتبر نوشته شود و یا بضائت اشخاص متمول معلوم التمول رئیس - بفرمائید

آقای سید میرزا علی عمادی - کله امضاء اعم است باین معنی که صرف نوشتن از ورقه است چه شخصی که میخواهد معامله کند و یا غیر او و باید بلفظی که مختص امر است و عبارت (ضمانت) است نوشته شود اگر چه آن کله امضاء هم متعلق بهمین مسئله است و بمعنی ضمانت است لیکن در صورتیکه لفظ مخصوص بخودش دارد چه جهت دارد که ما يك لفظ اعمی را بنویسیم و بمعینده بنده همان لفظ (ضمانت) را بنویسند بهتر است آنهم ضمانت اشخاص معلوم التمول نه کسیکه بظاهر خودشرا متمول قلمداد شده و تمول هم از هر ضمانتی شرعاً و عادتاً لازم است و شرط اعظم ضمان است.

مخبر - گمان میکنم در اینجا هم نظریه ایشان تأمین شده است زیرا قید شده است که بامضاء اشخاص معتبر باید باشد. حالا اگر میخواهند بوسیله مؤسسات معتبر تضمین گردد برداشته شود آن امری است علیحده و الا

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای احتشام زاده (بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنج جمله (و یا امضای اشخاص معتبر) حذف و بجای آن نوشته شود: (و یادونفر شخص معتبر)

رئیس - بفرمائید

احتشام زاده - مقصود این است که در معاملاتی که بانك می کند و وجوهی را که قرض میدهد تأمین شود و اطمینان حاصل شود که این وجوه مجدداً بانك مسترد میشود.

و اگر بخواهیم آن قیودی را که آقایان در نظر دارند در اینجا ذکر شود ممکن نیست برای اینکه تمام املاک در مملکت ثبت نشده و اگر بخواهیم بثبت برسد شش ماه طول خواهد کشید و احتیاج آن شخص هم فوت میشود باین جهت بنده معتقد نیستم اینقدر سخت گیری بشود و فقط باید اطمینان حاصل شود که این پول مسترد میشود و در راپورنی که از کمیسیون داده شده است مینویسد باید بامضاء اشخاص معتبر تضمین گردد در صورتیکه امضاء تضمین نمیکند بلکه باید اشخاص معتبر باشند و باضافه اشخاص معتبر هم که نوشته شده است اعم است از یک نفر یا چند نفر و در هر صورت بنده برای اینکه بیشتر اطمینان حاصل شود پیشنهاد کردم نوشته شود دو نفر.

مخبر - عرض میشود اشخاص معتبر هم باید بالاخره بایک نوشته و سندی ضمانت بکنند (قرض بوسله اشخاص معتبر تضمین گردد). قدری معنایش دور از مطلب است. بعلاوه اینکه اینجا قید شده است اشخاص معتبر برای این است که در نظامنامه پیش بینی شود. یک نفر یا دو نفر یا سه نفر هر چه لازم است این قسمت را در نظامنامه معین کنند و در کمیسیون هم مقصود این نبود که یک نفر باشد و کلمه اشخاص هم برای این است که بیش از یک نفر باشد و البته عده هم در نظامنامه

معلوم می شود. رئیس - رأی گرفته میشود بقبال توجه بودن این پیشنهاد. آقایانیکه موافقند قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که از ماده پنج لفظ و یا امضاء اشخاص معتبر حذف شود. رئیس - بفرمائید.

فیروز آبادی - صحبتگاهی که در اطراف بانك های

سابق میشنویم که آمدند و امضاء هائی دادند و بعد از آن امضاء ها نتیجه برده نشد و آن وجه هم از بین رفت. علاوه بر این در مملکت ما معلوم نیست که کی معتبر است و کی معتبر نیست؟ و هیچکس هم نمیتواند معلوم بکند و چون غرض ما هم از تأسیس این بانك این است که این بانك باقی بماند نه اینکه يك اشخاصی بیایند به يك امضاهائی پول از بانك بگیرند و بعد هیچ نتوانند پول را پس بگیرند و از بین برود باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم که پول بامضاء داده نشود و بگرو و وثیقه پول بدهند.

مخبر - آقای فیروز آبادی باید بدانند که ما بالاخره میخواهیم بانك درست کنیم و بطوریکه در جلسه سابق ملاحظه فرمودند مذاکره در این بود که این بانك در داخله و خارجه و در تمام روی زمین باید شعبه داشته باشد و معامله کند و امضاء اشخاص معتبر یا مؤسسات معتبر را هم خود بانك باید تشخیص بدهد و این را ما نباید بگوئیم که چطور تشخیص بدهیم. او خودش باید تشخیص بدهد.

و این معامله صرفی تنها نیست. صرفی میکند ولی بترتیب يك نجرانخانه و بانك بزرگ بطوریکه بتواند با تمام عالم داد و ستد بکند.

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند. (عده بر خاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آفا سید یعقوب هم در همین زمینه است. پیشنهاد آقای نجومی. (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده پنج بجای امضای اشخاص معتبر نوشته شود اشخاصی که در بانک سرمایه دارند. رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری هم در همین زمینه است. آقای نجومی.

میرزا اسمعیل خان (نجومی) - مقصود از این پیشنهاد این است که يك نظری بین نظریه دولت و کمیسیون گرفته شود که هم کله اشخاص حذف نشود و هم اشخاصی باشند که اعتبار و سرمایه در بانک داشته باشند. این قبیل اشخاص ضمانت بکنند نه اشخاص خارجی.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری هم در همین زمینه است با اختلاف يك کله آن هم قرائت میشود (بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای اشخاص معتبر نوشته شود: اشخاصیکه نزد بانک اعتبار دارند

رئیس - این عبارت اخراج همان عبارتی است که در ماده نوشته شده آقای دکتر طاهری (بترتیب ذیل خوانده شد)

دکتر طاهری - چون مابین نجار رسم است که هر کدام يك کردی دارند. یعنی هر تاجری يك قدری اعتبار نزد بانک دارد. بعضی ها پنجاه هزار تومان بضمیها دو بیست هزار تومان اعتبار دارند. و هر تاجری تا وقتی که حد اعتبارش در بانک پر نشده است هر قدر حواله بدهد و امضاء کند بانک قبول میکند. پیشنهاد بنده و آقای نجومی این است که بامضاء اشخاصی باشد که نزد بانک اعتبار داشته باشند یعنی تا يك حدی اعتبار

آنها را تصدیق کند و این در واقع يك تضمینی است نه اینکه مطلقاً معتبر باشند عبارتی که در ماده نوشته شده این است که بامضاء اشخاص معتبر باشد و این غیر از پیشنهادی است که بنده تقدیم کرده ام این يك لفظ عامی است و بعقیده بنده اگر آقای مخبر قبول کنند این پیشنهاد رفع اشکال آقا بازا میکند

رئیس - آقای نجومی هم مقصودشان موافقت میکند با پیشنهاد آقای طاهری بنا بر این نسبت به پیشنهاد آقای طاهری مذاکره میکنیم. آقای مخبر.

مخبر - عرض کنم این پیشنهاد را که آقا کرده اند اگر مقصودشان این است که بامضاء اشخاص باشد که نزد بانک اعتبار داشته باشند ممکن است طوری اصلاح کرد تا رفع اشتباه هم بشود و ضرری ندارد که نوشته شود:

اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم است ولی توضیحی را که آقای طاهری دادند دور از مطلب بود ایشان فرمودند که باید پولی نزد بانک داشته باشد و بهمان مقداری که هست بانک قرض بدهد در صورتی که اعتباری را که بانک قبول خواهد کرد ممکن است از يك مؤسسات یا اشخاصی باشد که پول هم در بانک نداشته باشند. مثلاً بانک شاهنشاهی يك قبض را ضمانت میکند یا يك اشخاصی را ضمانت می کند بانک ملی حق دارد بپردازد. با اینکه پول هم در بانک نداشته باشد ولی معذک معتبر میدانند. پس بهتر این است که نوشته شود بامضاء اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم است و این دیگر رفع نگران خاطر آقایان را میکند

رئیس - این مقصود آقای دکتر را نامین نمیکنند (خطاب باقای دکتر طاهری) اینطور نیست؟

دکتر طاهری - بنده ملتفت نشدم آقای مخبر چه فرمودند بنده مقصودم این است در بانک اعتبار داشته باشند

رئیس - (خطاب باقای مخبر) يك دفعه دیگر بفرمائید.

مخبر - ممکن است برای نامین نظریه اقا این جمله اضافه شود: که اعتبارش نزد بانک مسلم باشد.

دکتر طاهری - بنده قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

اصلاح ذیل را پیشنهاد میدارم:

در محلهائیکه ثبت اسناد دائر است باید بثبت رسیده باشد الی آخر.

رئیس - بفرمائید.

محمدولی میرزا - این قسمت واضح است و محتاج

ب توضیح زیادی نخواهد بود. بنده خواستم جمع بین آن فکری که ایجاد شده بود که حتماً قبلاً باید بثبت رسیده باشد تا آن سند و معامله نزد بانک دارای اعتبار باشد و آن فکری که بعضی از آقایان فرمودند که يك اشکالاتی پیدا خواهد کرد گرفته باشم که در واقع يك تسهیلی هم در وضع این قانون شده باشد. این است که بعقیده بنده بهتر این است نوشته شود در آن محلهائیکه ثبت اسناد دائر است به ثبت برسانند زیرا البته سندی که به ثبت رسیده باشد مخصوصاً در قسمتهای ملکی فوق العاده خوب است و مراتب بر اعتبارات آن افزوده خواهد شد و يك اشکالاتی را هم رفع میکنند ولی در نقاطی که ثبت اسناد نیست و ممکن است ناده سال دیگر هم در تمام نقاط این مملکت ثبت اسناد دائر نشود البته نمیشود ان قسمتها را از منافع می که این قانون ایجاد خواهد کرد محروم بکنیم. این است که بنده اینطور پیشنهاد کردم که جمع بین این دو فکر شده باشد.

رئیس - آقای مخبر.

مخبر - آقای محمد ولیمیرزا تصدیق میفرمایند که آن

جاهائی هم که ثبت اسناد است تمام املاک ثبت نشده و البته تا بروند املاک را ثبت کنند دو سه سال طول میکشد. در هر حال نظر کمیسیون با موافقت نماینده دولت همین بود که عرض شد و همچو مقتضی دانستند که این جمله حذف شود زیرا در يك قسمت اصلاً ثبت اسناد دائر نشده و در آنجائی هم که دائر شده هنوز بکار نیفتاده. این از نقطه نظر تسهیلاتی بود که خواستیم برای مردم قائل شویم و البته تمام این نظرها موکول میشود بنظامنامه که دولت باید در آتیه با يك مطالعه و مراقبت کاملی این نظامنامه را بنویسد و تمام این مراتب را در آنجا ذکر میکنند و دیگر محتاج نیست در قانون ذکر شود

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد.

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای سهرابخان ساکینیان

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده (۵) در سطر چهارم بعد از کلمات (تضمین گردد) اضافه شود: در صورتیکه مجموع کلیه وجوه قرض داده از دونك پول نقد موجود در بانک تجاوز نماید.

سهرابخان ساکینیان - در کلیه مؤسسات بانگی يك حدود معینی برای معاملات بانگی هست و تا يك مقدار معینی باید پول موجود باشد در اینجا هم بعقیده بنده باید مقدار زیادی پول در بانک موجود باشد و نظر بآن عقایدی که آقایان محترم و آقای شیروانی اظهار کردند و برای اینکه تمام پول بکدفعه از بانک خارج نشود بهتر این است که يك حد معینی پول همیشه در بانک موجود باشد

مخبر - این مسئله را بانك در نظامنامه خود تصریح میکند که ناچه حدی میتواند پول قرض بدهد و ناچه حدی میتواند پول در بانك نگه دارد و مخصوصاً با آن عبارت که در پیشنهاد نوشته شده (باید پول موجود باشد) چون که پول موجود اعم است از وجوه سرمایه بانك با وجوهی که در بانك امانت میگذارند چون يك مقدار از وجوه و دایع در بانك هست که مدت دار است و یکمقدار دیگر مدت ندارد و نمیتواند تمامش را معامله کند از این جهت قبول پیشنهاد آقا يك قدری مشکل است

رئیس - رأی گرفته می شود بقابل توجه بودن این پیشنهاد - آقا باینکه قابل توجه میدانند قیام کنند (عده کمی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد: پیشنهاد آقای مهدوی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اینطور تنظیم شود: بانك بموجب نظامنامه مخصوص بعد از قسمتی که بر حسب قانون توسعه فلاحت و تجارت از مجلس میگذرد غیر از معاملات تجاری و جریان تسهیل معاملات با اطمینان کامل معاملات دیگری اعم از منقول و غیر منقول نمیتواند بنماید

رئیس - آقای مهدوی

مهدوی - بنده تصور می کنم اگر بانك پنج ملیون سرمایه نداشته باشد و پنجاه ملیون سرمایه داشته باشد و بخواند بطور آزادانه معامله بکند و معاملات رهنی غیر مشروع بکند معنایش این است که بیست و پنج میلیون یا پنجاه کرور دیگر خالصه در مملکت پیدا بشود. ما از يك طرف بفروش خالصجات رأی میدهیم و در عین اینکه بفروش خالصجات میخوانیم رأی بدهیم این ترتیب فعلی خالصه برای دولت زیاد می کند

مخبر - در آن قسمت که فرمودند بانك يك مجلسی خواهد داشت که بجزبان امور خودش رسیدگی میکنند آن راجع به بانكهاست است که سهام و شرکت دارند و در بنصورت يك هیئت مدیره دارد که بآن کیفیت فرمودند پنجنفر می نشینند و رسیدگی میکنند ولی این بانك دولتی است سرمایه هم مال دولت است و قانونش هم از مجلس میگذرد. اما آن قسمتی که میفرمائید بانك داخل معامله میشود اگر غیر از این باشد با مقصودی که از تاسیس بانك داریم منافات دارد زیرا مقصود از تاسیس بانك مساعدت با امور تجاری و زراعتی و فلاحتی است و اگر ما بخواییم این راه را مسدود بکنیم آنوقت دیگر موضوع این نخواهد بود و در واقع بانك نیست شرکت است اگر بانك میخوانیم البته باید داخل در این قبیل معاملات بشود و احتیاجات مردم را رفع کند اما در آن قسمتی که فرمودید سرمایه این بانك پنج میلیون است و دو میلیون ونیم آن مصرف کار های تجاری خواهد شد. لازم است عرض کنم سرمایه بانك پانزده میلیون است نه پنج میلیون و این پنج میلیون برای امور مقدماتی است و ممکن است بعد هم توسعه پیدا کند و دایع هم بر این مبلغ اضافه میشود

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد، آقا باینکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای عمادی هم پیشنهاد ختم جلسه را کرده اند

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت اینجا آمده اند خوبست بایشان اخطار بکنید که برای تعیین روز استیضاح تشریف بیاورند کاری هم که ندارند

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده نمیدانم چه عرض کنم دولت در این است که مملکت مشروطه و مجلس باو رای داده حالا رفته در آن اطاق نشسته اعتنا نمیکند که شصت نفر از او استیضاح کرده اند باید بیاید و جواب استیضاح را بدهد آخر مملکت مشروطه است اگر نیست بشرما بید نیست تا ما هم بدانیم

رئیس - آقای بهار

بهار - آن طوری که ما اطلاع داشتیم قیام کرده است آقای رئیس الوزراء امروز حاضر شوند و روز استیضاح را معین کنند. در تنفس بطوریکه بنده مطلع شدم گویا آقای رئیس الوزراء اطلاع عمده و مهمی راجع به قضیه مراسم داشتند و تقاضا کردند که کمیسیون مربوطه بآن مراسم تشکیل شود که در آنجا قبلاً توضیحات لازم را بدهند...

عراقی - آن کمیسیون رسمی نبود

بهار - اجازه بدهید. تقاضای تشکیل کمیسیون کردند و خواستند توضیحات را قبلاً بدهند برای اینکه ذهن آقایان نمایندگان روشن شود. در جواب استیضاح هم مؤثر بود بعد از نقطه نظر اصل موضوع و عدم جار و جنجال و هیاهو با اطلاع آقایان مخالفین و موافقین يك زمینة ای را تهیه کنند و بیایند در مجلس روز استیضاح را معین کنند. متأسفانه آقایان مخالفین یعنی افرادی که عضو آن کمیسیون بودند حاضر نشدند و معلوم نشد بچه دلیل در مقابل يك مسئله مهم مملکتی که قطعاً مفید بود حاضر نشدند!

چنانکه کمیسیون تشکیل نشد حالا هم بهتر میدانم بجای این حرارنها که تصور نمیکنم بجائی برسد خوبست آن کمیسیون را تشکیل بدهند و توضیحات آقای رئیس الوزراء را استماع کنند (در این موقع آقای رئیس الوزراء وارد مجلس شدند) و چون خود آقای رئیس الوزراء هم حالا تشریف آوردند بنده دیگر در این باب عرضی ندارم و

شاید مقتضی نباشد بآوردن خودشان بنده توضیحاتی بدهم ولی مقدمه همان بود که عرض شد و آمدن دولت برای این بود که آن کمیسیون تشکیل شود و اطلاع خودشان را که حتماً مفید بود باستحضار آقایان برسانند و چون آقایان حاضر نشدند حالا خود آقای رئیس الوزراء تشریف آورده اند و البته خودشان توضیحات کافی خواهند داد رئیس الوزراء - غرضم از شرفیاء و تصدیع تعیین روز استیضاح است چون آقایان منتظر بودند آمدم که روز استیضاح را تعیین کنند.

رئیس - خودتان نسبت به تعیین روز نظری ندارید؟
رئیس الوزراء - گمان می‌کنم اگر آقایان موافق باشند بروز پنجشنبه آتیه با هر روز که میل شان است موکول شود.

آقای سید یعقوب - بنده پیشنهادی کرده ام

رئیس - پیشنهاد آقای سید یعقوب قرائت میشود
(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم جلسه استیضاح روز نهم بهمن ماه معین شود.

آقای سید یعقوب - بنده روز یکشنبه نهم بهمن را پیشنهاد کردم برای اینکه این مسئله استیضاح مدتی است طول کشیده و دولت از موادم مستحضر شده و جواب ابراهم حاضر کرده اند و بنده شنیده بودم که همین امروز برای جواب استیضاح معین خواهند کرد -

ولی حالا که روز پنجشنبه را معین کرده اند بنده پیشنهاد کردم که برای روز یکشنبه باشد که دولت بیاید و جواب استیضاح را بدهد.

رئیس - آقای بهار .

بهار - آنطوریکه سابق براین معمول بود یعنی آنطوریکه نزاکت اجازه میداد رسم همیشه چنین بوده است که روز استیضاح را خود دولت تعیین میکرد و

حکومت ملی مدخلیت ندارد . ماهی چسبیده ایم بسوابق و اصول قانون اساسی را زیر پا گذارده ایم . بنده میگویم همان روز اولی که این مراسم صادر شد باید از دولت استیضاح کنیم . چون روز اولی که این تصویب نامهها صادر شد و حقوق مملکت را بر باد دادند همان وقت باید استیضاح کنیم و نکرده ایم - بهر حال بنده پیشنهاد خود را پس نمیگیرم

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب . آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند (عدد کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . جلسه آتیه روز یکشنبه سه ساعت قبل از ظهر . دستور اولاً استیضاح ثانیاً دستور امروز . مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد

مجلس هم از نقطه نظر مسالمت و از نظر اینکه بالاخره هیچکس با هیچکس دعوی ندارد و مراد و مقصود حل قضایا و توضیح مسائل است و قضیه جنگ و نزاعی در بین نیست مجلس هم موافقت می‌کرد و همان روزی را که رئیس دولت برای جواب استیضاح معین میکرد مجلس هم موافقت میکرد - حالا هم رئیس دولت پنجشنبه را معین کرده خاصه اینکه بین یکشنبه و پنجشنبه هم چندان فرق و تفاوتی نیست . ما اگر نخواهیم يك كشاكش و مشاجره و بالاخره يك نزاعی تولید کنیم آن امری است علیحده . ولی ما که موافق دولت هستیم این نظر را قطعاً نداریم . پس اگر غرض حل و فصل مسائل مملکتی باشد چه ضرر دارد که بدولت مجال داده شود تا بتواند بهتر در قضایا مطالعه کند و در نتیجه مسائل بهتر کشف شود خلاصه اینکه از ناخیر یکی دو روز هم یعنی تبدیل یکشنبه به پنجشنبه نه در عقاید آقایان نمایندگان تفاوتی پیدا میشود و نه در اصل مطلب که تثبیت یا عدم تثبیت دولت باشد تغییری حاصل خواهد شد لذا بعقیده بنده بهتر این است که حالا هم بر طبق همان اصول نزاعی که تاکنون در مملکت جاری بوده عمل شود و آقای آقا سید یعقوب هم موافقت فرمایند و پیشنهاد خودشان را پس بگیرند و با همان روز پنجشنبه که دولت برای استیضاح معین کرده موافقت کنند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای بهار يك مسئله را فرمودند که بنده خواستم خدمت شان جواب عرض کنم . بنده میخواهم آقای بهار و همچنین هیئت دولت را تذکر بدهم بماده (۴۴) که مینویسد استیضاح که شد دولت باید بیاید و جواب بدهد . دولت الان يك هفته است نیامده آقای بهار فرمودند استیضاح کنید فردا دولت میاید و جواب میدهد حالا که استیضاح کردیم يك هفته است نیامدند و جواب ندادند حالا هم که تشریف آورده اند مجلس روز پنجشنبه را معین کرده اند . اشاره بسابقه کردند . سابقه هیچوقت در اصول